

## تأثیر ویژگی‌های کمیته حسابرسی بر محافظه‌کاری شرطی

■ فرزانه نصیرزاده<sup>۱</sup>

■ جواد اورادی<sup>۲</sup>

■ جواد رجبعلی‌زاده<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۹۶/۱/۲۱

تاریخ پذیرش: ۹۶/۴/۲۲

### چکیده:

شرایط پیچیده در حسابداری شرکت‌ها و تقاضای روزافزون برای پاسخگویی و اهمیت یافتن کنترل‌های داخلی سبب پررنگ شدن نقش کمیته حسابرسی شده است. یکی از نقش‌های کمیته حسابرسی که همواره مدنظر محققان و قانون‌گذاران بوده، نقش نظارتی کمیته حسابرسی بر کیفیت سودهای گزارش شده است. بر این اساس، هدف از انجام پژوهش حاضر، بررسی تأثیر ویژگی‌های کمیته حسابرسی (شامل تخصص مالی، استقلال، تجربه و اندازه کمیته حسابرسی) بر محافظه‌کاری شرطی در شرکت‌های عضو بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. در این راستا، برای محافظه‌کاری شرطی از مدل‌های بال و شیواکومار<sup>۴</sup> (۲۰۰۵) و باسو<sup>۵</sup> (۱۹۹۷) استفاده شد و تعداد ۱۳۷ شرکت پس از الزامی شدن منشور کمیته حسابرسی در بازه زمانی سال‌های ۱۳۹۱ الی ۱۳۹۳ مورد بررسی قرار گرفت. یافته‌های پژوهش در مدل بال و شیواکومار حاکی از وجود ارتباط معنادار میان هر چهار ویژگی کمیته حسابرسی و محافظه‌کاری است، اما در مدل باسو این ارتباط معنادار تنها بین اندازه کمیته حسابرسی و محافظه‌کاری مشاهده شد و رابطه معناداری بین دیگر ویژگی‌های کمیته حسابرسی و محافظه‌کاری یافت نشد.

**کلمات کلیدی:** کمیته حسابرسی، محافظه‌کاری شرطی، مدل باسو، مدل شیواکومار، کیفیت

سود.

۱. دانشیار حسابداری، دانشکده علوم اداری و اقتصادی، دانشگاه فردوسی مشهد.

۲. کارشناسی ارشد حسابرسی، دانشکده علوم اداری و اقتصادی، دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول)  
(ja\_oradi@stu.um.ac.ir)

۳. کارشناسی ارشد حسابرسی، دانشکده علوم اداری و اقتصادی، دانشگاه فردوسی مشهد

4 - Ball & Shivakumar

5 - Basu

## ۱- مقدمه

در دو دهه اخیر، پس از رسوایی‌های شدید مالی در سطح شرکت‌های بزرگ، کمیته حسابرسی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار شده است و امروزه با پررنگ شدن نقش حاکمیت شرکتی، نیاز به کمیته حسابرسی بیش از پیش احساس می‌شود. در ایران نیز با افزایش خصوصی‌سازی و واگذاری شرکت‌های دولتی و نیز توسعه بازار سرمایه، کمیته حسابرسی به عنوان جزئی از ارکان راهبردی، عاملی تعیین‌کننده در روند گزارشگری مالی است و اعتبار صورت‌های مالی حسابرسی‌شده را افزایش می‌دهد. از طرف دیگر، شرکت‌ها و سهامداران برای نظارت دقیق‌تر بر زمینه‌هایی همچون ریسک، جلوگیری از اتلاف منابع شرکت، صحت گزارشگری مالی و رعایت الزامات قانونی و مقرراتی، بر قضاوت اعضای کمیته حسابرسی اتکا می‌کنند. هر عضو کمیته حسابرسی، برای انجام وظایف خود به شناخت درست و آشکار وظایف خود با توجه به منشور فعالیت کمیته و سایر الزامات قانونی نیاز دارد. برای نمونه، منشور کمیته حسابرسی مصوب سازمان بورس و اوراق بهادار، بندهایی درباره استقلال و تخصص اعضای کمیته دارد.

یکی از نقش‌های کمیته حسابرسی که پیوسته مورد توجه محققان و قانون‌گذاران قرار می‌گیرد، نقش نظارتی کمیته حسابرسی بر کیفیت سودهای گزارش‌شده و ممانعت آن‌ها از مدیریت سود می‌باشد. در چارچوب تئوری نمایندگی، همانگونه که محافظه‌کاری تأثیر بسزایی در کاهش هزینه‌های نمایندگی و ریسک دعوی حقوقی برخوردار است، انتظار می‌رود کمیته حسابرسی اثربخش نیز محافظه‌کاری را به عنوان جنبه‌ای مطلوب از گزارشگری مالی در نظر گیرد و رویکردهای حسابداری محافظه‌کارانه را با تکیه بر اطلاعات حسابداری قابل اتکا به کار بندد. در پژوهش حاضر، به منظور اندازه‌گیری محافظه‌کاری شرطی، از دو مدل بال و شیواکومار (۲۰۰۵) و باسو (۱۹۹۷) استفاده شده است: مدل اول از نوع محافظه‌کاری حسابداری می‌باشد که در آن از مدل اقلام تعهدی و جریان‌های نقدِ دیچاو و همکاران<sup>۶</sup> (۱۹۹۸) به منظور برجسته نمودن نقش اقلام تعهدی در شناخت به موقع زبان‌ها استفاده می‌شود. در صورت محافظه‌کارانه بودن سود خالص، انتظار می‌رود که جریان‌های نقدی منفی با کاهش در اقلام تعهدی همراه باشد. مدل دوم، مدل باسو (۱۹۹۷) می‌باشد که از نوع محافظه‌کاری بازار است. بر این اساس، محافظه‌کاری از طریق تفاوت در سرعت شناسایی اخبار بد در مقابل اخبار خوب توسط سودهای خالص تعریف می‌شود. همچنین، به منظور اندازه‌گیری اثربخشی کمیته حسابرسی از چهار مشخصه شامل تخصص مالی کمیته حسابرسی، استقلال کمیته، تجربه اعضا و اندازه آن استفاده شده است.

در حوزه ادبیات داخلی، پژوهش‌هایی بر روی کمیته حسابرسی انجام شده است (فخاری و همکاران، ۱۳۹۴، رؤیایی و ابراهیمی، ۱۳۹۴؛ جامعی و رستمیان، ۱۳۹۴) اما در هیچ یک، تأثیر هر چهار ویژگی کمیته حسابرسی شامل تخصص مالی کمیته حسابرسی، استقلال کمیته، تجربه اعضا و اندازه آن بر بُعد مد نظر بررسی نشده است. از سویی، برای سنجش متغیر وابسته این پژوهش (محافظه‌کاری)

از دو مدل متفاوت بال و شیواکومار (۲۰۰۵) و باسو (۱۹۶۷) استفاده شده است که علاوه بر بدیع بودن نسبت به سایر پژوهش‌های داخلی انجام‌شده روی کمیته حسابرسی، حالت مقایسه‌ای را برای دو مدل محافظه‌کاری ارائه کرده است.

سایر بخش‌های پژوهش انجام‌شده به این ترتیب است که نخست، مبانی نظری پژوهش در مورد محافظه‌کاری و کمیته حسابرسی ارائه می‌گردد. در بخش سوم، پیشینه پژوهش به تفکیک خارجی و داخلی تشریح و پس از آن، فرضیه‌ها در بخش چهارم ارائه شده‌اند. بخش پنجم، روش‌شناسی پژوهش، شامل روش، معرفی متغیرها و مدل‌های پژوهش می‌باشد. پس از آن، در بخش‌های ششم، هفتم و هشتم، به ترتیب یافته‌های پژوهش، نتیجه‌گیری و پیشنهادها و محدودیت‌ها ارائه گردیده است.

## ۲- مبانی نظری

### ۲-۱- محافظه‌کاری و کمیته حسابرسی

محافظه‌کاری یکی از ویژگی‌های برجسته گزارشگری مالی است که در سال‌های اخیر به خاطر رسوایی‌های مالی (در شرکت‌هایی مانند انرون<sup>۷</sup> و وردکام<sup>۸</sup>) توجه بیش‌تری را به خود جلب کرده است و برخی مطالعات (واتز، ۲۰۰۳؛ لافوند و واتز<sup>۹</sup>، ۲۰۰۶) به طور ویژه بر محافظه‌کاری تمرکز کرده‌اند. هرچند بسیاری از حسابداران بر وجود محافظه‌کاری در تنظیم صورت‌های مالی توافق دارند ولی تاکنون تعریف جامعی از آن ارائه نشده است. در پاراگراف ۹۵ بیانیه مفاهیم حسابداری شماره دو نیز برای تشریح محافظه‌کاری چنین آمده است: «... اگر دو برآورد از یک مبلغ دریافتنی یا پرداختنی آتی وجود داشته باشد و احتمال وقوع هر دو یکسان باشد، محافظه‌کاری استفاده از برآوردی را دیکته می‌کند که کم‌تر خوش‌بینانه است» (هیات استانداردهای حسابداری مالی<sup>۱۰</sup>، ۱۹۸۰). از سوی دیگر، محافظه‌کاری به عنوان یکی از مکانیزم‌های قوی حاکمیت شرکتی در نظر گرفته می‌شود. برخی بر این عقیده‌اند که، محافظه‌کاری شاخصی مطلوب از کیفیت سود محسوب می‌گردد ولی برخی دیگر معتقدند محافظه‌کاری، نوعی مکانیزم اقتصادی اثرگذار است که بر کیفیت سود تأثیر می‌گذارد. به این مفهوم که محافظه‌کاری از بروز رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیران می‌کاهد و نظارت بر کار مدیران و قراردادهای منعقد شده را تسهیل می‌کند (واتز<sup>۱۱</sup>، ۲۰۰۳؛ بال و شیواکومار، ۲۰۰۵؛ فرانسیس و همکاران<sup>۱۲</sup>، ۲۰۰۵). محافظه‌کاری حسابداری ممکن است به تنهایی به عنوان یک مکانیزم اثرگذار حاکمیت شرکتی در نظر گرفته شود، اما تعدادی از محققان بر این باورند که مکانیزم‌های کلیدی

7 - Enron

8 - World Com

9 - Laffond & Watts

10 - Financial Accounting Standards Board (FASB)

11 - Watts

12 - Francis

حاکمیت شرکتی در فرآیند گزارشگری مالی، به صورت ترکیبی بر کیفیت سود اثر می‌گذارند (بیکز و همکاران<sup>۱۳</sup>، ۲۰۰۴؛ احمد و دوئلمن<sup>۱۴</sup>، ۲۰۰۷؛ لارا و همکاران<sup>۱۵</sup>، ۲۰۰۹). یکی از مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی، کمیته حسابرسی شرکت‌ها است. با این وصف، دلایل مختلفی را می‌توان در نظر گرفت که چرا کمیته حسابرسی باید حامی رویکردهای حسابداری محافظه‌کارانه باشد. پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد که در ناتوانی گزارش‌گری مالی صحیح، اعضای کمیته حسابرسی نسبت به سایر کمیته‌های متشکله در شرکت، بیش‌تر مورد بازخواست قرار گرفته‌اند (سرینیواسان<sup>۱۶</sup>، ۲۰۰۵؛ کریشنن و ویسواناتان<sup>۱۷</sup>، ۲۰۰۸). از این رو، هنگامی که کیفیت سود به عنوان یک معیار از موفقیت کمیته حسابرسی در نظر گرفته می‌شود و برای اعضای آن شهرت می‌آورد، انگیزه‌ای قوی برای سایر کمیته‌ها بوجود می‌آید تا تلاش خود را در ارتقای کیفیت سود - بویژه از طریق اتخاذ سیاست‌ها و رویکردهای حسابداری محافظه‌کارانه - بیشینه نمایند. اتخاذ رویکردهای محافظه‌کارانه (شناسایی سریع‌تر زیان) در برابر رویکردهای متهورانه (شناسایی زودتر درآمدها) کم‌تر مورد انتقاد قرار می‌گیرد، از این رو اعضای کمیته حسابرسی به منظور افزایش شهرت خود در حفظ سرمایه و افزایش احتمال انتصاب آتی در مناصب مدیریتی، تمایل بیش‌تری به محافظه‌کاری دارند.

## ۲-۲- تخصص مالی کمیته حسابرسی

دیدگاه‌های نظری و عملی بسیاری در پژوهش‌ها نشان می‌دهند که تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی سبب اثربخشی بیش‌تر آن می‌شود (دوالیوال، ۲۰۱۰) و به عنوان یکی از مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی، داشتن اعضای با دانش حسابداری و حسابرسی جهت نظارت بهتر و اثربخش‌تر ضروری است (بول و شارپ<sup>۱۸</sup>، ۱۹۸۹) و وجود حسابداران رسمی در کمیته حسابرسی سبب کاهش اقدامات اجباری از جانب قانون‌گذاران یا تجدید ارائه‌های گزارشات فصلی شده است (مک‌مولن و راقوناندان<sup>۱۹</sup>، ۱۹۹۶). متخصصان مالی به سبب داشتن دانش مالی برتر و درک مسائل مالی و مشکلات گزارش‌گری، مسئولیت بیش‌تری را در فرآیند گزارش‌گری مالی بر عهده دارند. بنابراین، این افراد انگیزه بیش‌تری دارند تا رویکردهای حسابداری محافظه‌کارانه را به منظور افزایش شهرت در حفظ سرمایه، افزایش احتمال انتصاب در سایر مناصب مدیریتی و کاهش ریسک دعوی حقوقی به کار بندند.

13 - Beekes & et, al.

14 - Ahmed & Duellman

15 - Lara & et, al.

16 - Srinivasan

17 - Krishnan & Visvanathan

18 - Bull & Sharp

19 - McMullen & Raghunandan

## ۲-۳- استقلال کمیته حسابرسی

کمیته حسابرسی اثربخش، به منظور ایفای هر چه بهتر نقش نظارتی خود، نیازمند قدرت و اختیارات بیش‌تری می‌باشد (کمیسون تریدوی<sup>۲۰</sup>، ۱۹۸۷). در مطالعات انجام‌شده درباره حاکمیت شرکتی، مشخص شده است که پیش‌شرط نظارت اثربخش، استقلال آن است و استقلال بیش‌تر سبب نظارت بهتر توسط کمیته حسابرسی می‌شود (فاما<sup>۲۱</sup>، ۱۹۸۰، کلین، ۲۰۰۲، پایوت<sup>۲۲</sup>، ۲۰۰۴)، زیرا این اختیار را به کمیته حسابرسی می‌دهد که اقدامات و فعالیت‌های مدیریت را مورد سؤال قرار داده و قضاوت نماید (ورچور<sup>۲۳</sup>، ۱۹۹۳؛ اومالی<sup>۲۴</sup>، ۱۹۹۴، اسکاربروگ و همکاران<sup>۲۵</sup>، ۱۹۹۸). همچنین، محققان و قانون‌گذاران همواره تاکید کرده‌اند که اعضای مستقل برون‌سازمانی کمیته‌های حسابرسی، کم‌تر احتمال دارد که در سایر کمیته‌ها و مسئولیت‌های شرکت گمارده شوند و داشتن استقلال اعضای کمیته، سبب ارتقای کیفیت سود می‌شود (کلین، ۲۰۰۲).

## ۲-۴- تجربه کمیته حسابرسی

دوره تصدی اعضای کمیته حسابرسی به عنوان شاخصی برای تجربه اعضای کمیته حسابرسی در نظر گرفته می‌شود. پژوهش‌ها نشان داده است که تجربه و سابقه بیش‌تر اعضای کمیته حسابرسی، سبب قضاوت بهتر و موثرتر آن‌ها در حوزه کنترل‌های داخلی (که از مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی می‌باشد)، خواهد شد (دی‌زورت<sup>۲۶</sup>، ۱۹۹۸؛ رز و رز<sup>۲۷</sup>، ۲۰۰۸) و این امر سبب افزایش محافظه‌کاری توسط اعضای کمیته حسابرسی می‌شود (کریشنن و ویسواناتان، ۲۰۰۸). یافته‌های سایر پژوهش‌ها نیز حاکی از آن است که تجربه اعضای کمیته حسابرسی در شرکت مربوطه، سبب داشتن اطلاعات بیش‌تر راجع به آن شرکت می‌شود و آن‌ها را قادر به نظارت بهتر در کیفیت گزارش‌گری مالی شرکت می‌سازد (ویفاس<sup>۲۸</sup>، ۲۰۰۵؛ شارما و ایسلین<sup>۲۹</sup>، ۲۰۱۲).

## ۲-۵- اندازه کمیته حسابرسی

یانگ و کریشنن<sup>۳۰</sup> (۲۰۰۴) معتقد هستند اندازه کمیته حسابرسی می‌تواند تأثیر بسزایی بر اثربخشی آن داشته باشد زیرا هر چه تعداد اعضا بیش‌تر باشد، نظارت بهتری صورت می‌گیرد. از این

20 - Treadway Commission

21 - Fama

22 - Piot

23 - Verschoor

24 - O'Malley

25 - Scarbrough et, al.

26 - DeZooit

27 - Rose &amp; Rose

28 - Vafeas

29 - Sharma &amp; Iselin

30 - Yang &amp; Krishnan

رو، تعداد اعضای کمیته حسابرسی یکی از ویژگی‌هایی است که می‌تواند در ارتباط با محافظه‌کاری مورد بررسی قرار گیرد. فرض بر این است که در صورت وجود تعداد بیش‌تری از افراد در کمیته حسابرسی، افراد دارای دانش و تخصص و تجربه بیش‌تری خواهند بود و تأثیر بیش‌تری بر کیفیت گزارش‌گری خواهند داشت.

### ۳- پیشینه پژوهش

#### ۳-۱- پیشینه خارجی

ارتباط بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی و محافظه‌کاری توسط سولتانانا<sup>۳۱</sup> (۲۰۱۵) بررسی شد. یافته‌های این پژوهش نشان داد که میان ویژگی‌های کمیته حسابرسی (تخصص، استقلال، تجربه و اندازه) و محافظه‌کاری ارتباط معناداری وجود دارد. همچنین مشخص شد که قانون‌گذاران و سایر ذینفعان، هنگام قضاوت درباره ارزش کمیته حسابرسی، برای تخصص مالی، تجربه اعضا و تعداد جلسات کمیته توجه بیش‌تری قائل شوند. در پژوهش دیگری، سولتانانا و ون‌درزآن<sup>۳۲</sup> (۲۰۱۵)، رابطه میان محافظه‌کاری سود و تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی در شرکت‌های عضو بورس استرالیا بررسی کردند. یافته‌ها حاکی از آن است تنها در صورتی تخصص مالی اعضا با محافظه‌کاری حسابداری ارتباط می‌یابد که استقلال آن‌ها نیز در کمیته حسابرسی حفظ شود. به طور کلی، نتایج پژوهش آن‌ها نشان می‌داد که تخصص مالی اعضا در شناسایی به‌موقع زیان‌ها اهمیت دارد و سبب ارتقای کیفیت گزارش‌گری مالی می‌شود. چان و همکاران<sup>۳۳</sup> (۲۰۱۳) نیز در پژوهشی با عنوان استقلال اعضای کمیته حسابرسی، تجربه اعضا و حق‌الزحمه حسابرسی به این نتیجه رسیدند که اعضای باتجربه در کمیته حسابرسی از تخصص مالی، شهرت، تعهد و تمایل بیش‌تری برای ایفای نقش‌های نظارتی خود دارند. گیوه و لای<sup>۳۴</sup> (۲۰۱۱) نیز در پژوهش خود نشان دادند که کنترل داخلی قوی‌تر (که یکی از مشخصه‌های آن کمیته حسابرسی اثربخش است) سبب افزایش محافظه‌کاری می‌شود. همچنین، دوالیوال و همکاران (۲۰۱۰) نیز، اهمیت تخصص مالی و غیر مالی اعضای کمیته حسابرسی را بررسی نمودند. نتایج پژوهش آنان حاکی از آن بود که تخصص مالی اعضا با کیفیت بالاتر ارقام تعهدی و محافظه‌کاری حسابداری ارتباط دارد. همچنین، آن‌ها به این نتیجه رسیدند که کیفیت ارقام تعهدی ارتباط مثبت و معناداری با میانگین دوره تصدی اعضای کمیته حسابرسی دارد که این امر نشان‌دهنده نظارت بهتر بر کیفیت گزارش‌گری از جانب افراد باتجربه نسبت به کم تجربه می‌باشد. احمد و دولمن (۲۰۰۷) نیز ارتباطی منفی میان درصد اعضای مستقل درون‌سازمانی و عضو در کمیته حسابرسی و محافظه‌کاری حسابداری یافتند. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که میان درصد اعضای مستقل برون‌سازمانی و محافظه‌کاری ارتباط مثبت وجود دارد. یافته‌های پژوهش

31 - Sultana

32 - Sultana & Van der Zahn

33 - Chan & et, al.

34 - Goh & Li

آبوت و پارکر<sup>۳۵</sup> (۲۰۰۰) حاکی از آن است که کمیته حسابرسی متشکل از مدیران مستقل کم‌تر مورد بازخواست بورس اوراق بهادار آمریکا قرار گرفته است. به طور کلی، نتایج نشان می‌دهد که استقلال اعضای کمیته حسابرسی باعث ترغیب آن‌ها به سوی رویکردهای محافظه‌کارانه می‌شود، چرا که سبب کاهش هزینه‌های قراردادهای نیز می‌شود. دالتون و همکاران<sup>۳۶</sup> (۱۹۹۹) نیز نشان دادند که هر چه اندازه کمیته حسابرسی بزرگ‌تر باشد، وظیفه نظارتی اعضای کمیته حسابرسی بهتر انجام می‌گیرد و در ادامه عملکرد شرکت نیز بهبود می‌یابد.

### ۳-۲- پیشینه داخلی

در حوزه داخلی نیز پژوهش‌هاییدر زمینه کمیته حسابرسی انجام شده است؛ به عنوان مثال، تأثیر تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی بر ویژگی‌های سودهای پیش‌بینی‌شده توسط جامعه و رستمان (۱۳۹۴) بررسی شد. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی با سود پیش‌بینی‌شده ارتباط مثبتی دارد. به بیان دیگر، وجود اعضای با تخصص مالی در کمیته حسابرسی کیفیت گزارشگری مالی را افزایش داده است و اطلاعات قابل اتکاتری در اختیار مدیریت قرار گرفته است و پیش‌بینی سود با دقت بیشتری برآورد شده است. همچنین نتایج نشان داد که تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی با پراکندگی پیش‌بینی‌های سود ارتباط منفی دارد. رؤیایی و ابراهیمی (۱۳۹۴) نیز در پژوهشی تأثیر ویژگی‌های کمیته حسابرسی بر سطح افشای داوطلبانه اخلاق را بررسی نمودند. نتایج تحقیق آنان نشان داد که استقلال و تخصص اعضای کمیته حسابرسی بر سطح افشای داوطلبانه اخلاق اثرگذار است. همچنین، مهدوی و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهش خود اثر ویژگی‌های حاکمیت شرکتی بر کیفیت سود پیش‌بینی‌شده به وسیله مدیریت را بررسی کردند. برای ارزیابی حاکمیت شرکتی از متغیرهای ویژگی‌های هیئت مدیره، سهامداران نهادی و کمیته حسابرسی استفاده کردند. نتایج نشان داد که متغیرهای حاکمیت شرکتی از جمله کمیته حسابرسی بر کیفیت سود پیش‌بینی‌شده تأثیری ندارد. در پژوهشی دیگر، اعتمادی و شفا خیبری (۱۳۹۰) به بررسی تأثیر جریان‌های نقدی آزاد بر مدیریت سود و نقش وجود کمیته حسابرسی در آن پرداختند. نتایج نشان می‌دهد شرکت‌هایی که دارای کمیته حسابرسی هستند مدیریت سود بهتری نسبت به سایر شرکت‌ها دارند، آن‌ها همچنین با بررسی رابطه کمیته حسابرسی و جریان‌های نقد آزاد و متغیرهای کنترلی نشان دادند که رابطه معناداری بین کمیته حسابرسی و جریان‌های نقد آزاد وجود ندارد.

35 - Abbott & Parker

36 - Dalton & et, al.

#### ۴- فرضیه‌های پژوهش

با توجه به مبانی نظری و پیشینه پژوهش، فرضیه‌های پژوهش به شرح زیر بیان می‌گردد:

فرضیه اول: بین تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی و محافظه‌کاری شرطی (بال و شیواکومار-باسو) ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد.

فرضیه دوم: بین استقلال اعضای کمیته حسابرسی و محافظه‌کاری شرطی (بال و شیواکومار-باسو) ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد.

فرضیه سوم: بین تجربه اعضای کمیته حسابرسی و محافظه‌کاری شرطی (بال و شیواکومار-باسو) ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد.

فرضیه چهارم: بین تجربه اعضای کمیته حسابرسی و محافظه‌کاری شرطی (بال و شیواکومار-باسو) ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد.

#### ۵- روش‌شناسی پژوهش

این تحقیق از لحاظ نوع هدف، کاربردی و از لحاظ روش پژوهش تجربی از نوع پس‌رویدادی است. در پژوهش‌های پس‌رویدادی، روابط احتمالی بین متغیرها از طریق مشاهده شرایط موجود، مورد مطالعه قرار می‌گیرد که در آن، موارد مورد مطالعه در گذشته رخ داده‌اند و توسط محقق قابل دستکاری نیستند. از لحاظ روش استدلال نیز این تحقیق از نوع پژوهش‌های استقرایی است که با استفاده از مشاهده اجزایی از جامعه (نمونه) نسبت به ارائه الگویی برای کل جامعه اقدام می‌نماید. پژوهش حاضر، از لحاظ تئوری، در زمره پژوهش‌های اثباتی قرار دارد و از لحاظ آماری از نوع تحقیقات همبستگی است که برای آزمون فرضیه‌های پژوهش، به تبعیت از روش‌شناسی سولتانان (۲۰۱۵)، رگرسیون خطی چندمتغیره به کار می‌رود.

بازه زمانی پژوهش، از زمان الزام وجود کمیته‌های حسابرسی یعنی ابتدای سال ۱۳۹۱ الی ۱۳۹۳ می‌باشد. جامعه آماری در دسترس شامل شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران است که دارای کمیته حسابرسی نیز می‌باشند. پس از حذف بانک‌ها و مؤسسات سرمایه‌گذاری، شرکت‌های بیمه‌ای و سایر نهادهای مالی که از لحاظ ماهیت، متفاوت عمل می‌کنند، تعداد ۱۳۷ شرکت باقی مانده که به دلیل عدم توازن در سال‌های مختلف و حذف مشاهدات پرت، در نهایت ۳۱۷ سال-شرکت به صورت پنل نامتوازن مورد آزمون قرار گرفت. لازم به ذکر است، زمانی که اثرات سال و صنعت در مدل کنترل می‌شود، دیگر نیازی به کنترل اثرات شرکت‌ها و انجام آزمون‌های برآورد الگو (پولد یا پانل)، نظیر چاو و هاسمن نبوده و مدل مورد نظر بایستی به روش پولد یا همان حداقل مربعات معمولی تخمین بخورد. بنابراین در این پژوهش با کنترل اثرات سال و صنعت، برای برآورد مدل‌های پژوهش از رگرسیون حداقل مربعات معمولی استفاده شده است. همچنین، اطلاعات لازم برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از سایت کدال و نرم‌افزار ره‌آورد نوین استخراج گردیده است.



### ۵-۱- اندازه‌گیری متغیرهای پژوهش

۵-۱-۱- متغیرهای وابسته پژوهش: محافظه‌کاری به عنوان متغیر وابسته است که بر اساس دو مدل بال و شیواکومار و مدل باسو مورد بررسی قرار می‌گیرد.

#### ✓ معیار محافظه‌کاری مبتنی بر ارقام تعهدی بال و شیواکومار (۲۰۰۵)

بال و شیواکومار (۲۰۰۵) با استفاده از رابطه رگرسیونی زیر بین ارقام تعهدی و جریان‌های نقدی، دریافتند که در صورت وجود زیان‌های عملیاتی، ارتباط ارقام تعهدی و جریان‌های نقدی قوی‌تر است و این معیاری از رفتار محافظه‌کارانه است، بنابراین مدلی را برای بررسی این ارتباط ارائه دادند که به شرح زیر است:

$$ACC_{jt} = \beta_0 + \beta_1 * DCFO_{jt} + \beta_2 * CFO_{jt} + \beta_3 * DCFO_{jt} * CFO_{jt} + \varepsilon_{jt} \quad \text{مدل (۱)}$$

$ACC_{jt}$ : کل ارقام تعهدی را نشان می‌دهد که از تفاوت میان سود عملیاتی و وجوه نقد عملیاتی تقسیم بر مجموع ارزش دفتری دارایی‌های ابتدای دوره بدست می‌آید.

$DCFO_{jt}$ : متغیر مجازی است و در صورتی مقدار یک را اتخاذ می‌کند که جریان‌های نقد عملیاتی منفی باشد و در غیر این صورت برابر صفر خواهد بود.

$CFO_{jt}$ : مجموع جریان‌های نقد عملیاتی تقسیم بر مجموع ارزش دفتری دارایی‌های ابتدای دوره می‌باشد.

در این مدل، از جریان‌های نقد عملیاتی برای تعیین خوب یا بد بودن اخبار استفاده می‌شود. به این ترتیب، محافظه‌کاری زمانی وجود دارد که جریان‌های نقد منفی زودتر از جریان‌های نقد مثبت شناسایی شوند. طبق مدل ارائه‌شده، زمانی می‌توان گفت محافظه‌کاری حسابداری وجود دارد که ضریب  $\beta_3$  مثبت و معنادار باشد. یعنی هرچه این ضریب بزرگ‌تر باشد، رفتار نامتقارن در قبال سود و زیان‌های اقتصادی (اخبار خوب و بد) بیش‌تر و در نتیجه محافظه‌کاری بیش‌تر است.

#### ✓ معیار محافظه‌کاری مبتنی بر سود خالص باسو (۱۹۹۷)

باسو (۲۰۰۷) با به کارگیری بازده سهام برای اندازه‌گیری اخبار، توانست میزان عدم تقارن زمانی در شناسایی اخبار بد و اخبار خوب را معیاری از رفتار محافظه‌کارانه مورد آزمون قرار دهد و با استفاده از رابطه رگرسیونی زیر بین سود و بازده سهام دریافت که پاسخ سود نسبت به اخبار بد (بازده منفی سهام) به هنگام‌تر از پاسخ سود نسبت به اخبار خوب (بازده مثبت سهام) است.

$$X_{jt} = \beta_0 + \beta_1 * DR_{jt} + \beta_2 * RRA_{jt} + \beta_3 * DR_{jt} * RRA_{jt} + \varepsilon_{jt} \quad \text{مدل (۲)}$$

$X_{jt}$ : به عنوان سود عملیاتی پس از کسر مالیات تقسیم بر ارزش بازار سهام ابتدای سال تعریف می‌شود.

$DR_{jt}$ : متغیری مجازی است و در صورتی مقدار یک را اتخاذ می‌کند که بازده سهام منفی باشد و در غیر این صورت برابر صفر خواهد بود.

$RRA_{jt}$ : برابر با تفاوت قیمت هر سهم شرکت در پایان دوره و قیمت هر سهم در ابتدای دوره تقسیم بر قیمت هر سهم در ابتدای دوره. دوره محاسبه، بازده دوازده‌ماهه منتهی به پایان تیر هر سال است.

در این مدل، عدم تقارن زمانی در شناسایی اخبار بد نسبت به اخبار خوب، با استفاده از ضریب مثبت و معنادار  $\beta_3$  سنجیده می‌شود.

### ۵-۱-۲- متغیرهای مستقل اصلی پژوهش

**AC\_AEX<sub>jt</sub>** (تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی): نسبت اعضای دارای تخصص مالی به کل اعضای کمیته حسابرسی است. به این ترتیب که اگر عضوی از کمیته حسابرسی دارای مدرک تحصیلی مالی (اقتصاد، حسابداری، حسابرسی و ...) باشد به عنوان فرد دارای تخصص مالی در نظر گرفته می‌شود.

**AC\_IND<sub>jt</sub>** (استقلال اعضای کمیته حسابرسی): درصد اعضای مستقل عضو کمیته حسابرسی.  
**AC\_EXPER<sub>jt</sub>** (تجربه اعضای کمیته حسابرسی): متغیر مجازی است که نشانگر تجربه حضور در کمیته حسابرسی شرکت موردنظر است. به این مفهوم که اگر حداقل یک نفر از اعضای کمیته حسابرسی دارای تجربه قبلی عضویت در کمیته حسابرسی شرکت موردنظر باشد عدد یک و در غیر این صورت صفر خواهد بود. بدیهی است مشاهدات سال ۱۳۹۱ تماماً مقدار صفر را اتخاذ می‌کنند.  
**AC\_SIZE<sub>jt</sub>** (تعداد اعضای کمیته حسابرسی): تعداد اعضای عضو در کمیته حسابرسی که در ایران، متشکل از ۳ الی ۵ نفر می‌باشد.

### ۵-۱-۳- متغیرهای کنترلی پژوهش

**B\_IND<sub>jt</sub>** ✓: درصدی از اعضای هیئت مدیره که متشکل از مدیران مستقل می‌باشد.  
**MTB<sub>jt</sub>** ✓: نسبت ارزش بازار سهام شرکت به ارزش دفتری سهام آن در پایان سال.  
**LEV<sub>jt</sub>** ✓: مجموع بدهی‌های جاری و غیر جاری شرکت در سال جاری تقسیم بر مجموع دارایی‌های ابتدای دوره.  
**SIZE<sub>jt</sub>** ✓: لگاریتم طبیعی مجموع ارزش دفتری دارایی‌های ابتدای دوره.  
**DUALITY<sub>jt</sub>** ✓: متغیر مجازی است که اگر مدیرعامل، نقش ریاست هیئت مدیره یا نایب‌رئیس هیئت مدیره را نیز ایفا کند، عدد یک و در غیر این صورت صفر خواهد بود.  
**Industry  $\sum$**  ✓: کنترل اثرات صنعت.  
**Year  $\sum$**  ✓: کنترل اثرات سال.

### ۵-۲- مدل‌های پژوهش

مدل شماره ۳ برای بررسی رابطه محافظه‌کاری مدل بال و شیواکومار با ویژگی‌های کمیته حسابرسی استفاده می‌شود.  
 مدل (۳)

$$ACC_{jt} = \beta_0 + \beta_1 * DCFO_{jt} + \beta_2 * CFO_{jt} + \beta_3 * DCFO_{jt} * CFO_{jt} + \lambda_1 * AC\_AEX_{jt} + \lambda_2 * DCFO_{jt} * AC\_AEX_{jt} + \lambda_3 * CFO_{jt} * AC\_AEX_{jt} + \lambda_4 * DCFO_{jt} * CFO_{jt} * AC\_AEX_{jt} + [control\ variables] + \varepsilon_{jt}$$

در مدل فوق‌الذکر چنانچه ضریب  $\beta_3$  مثبت و معنادار باشد، معرف وجود محافظه‌کاری است.  $AC\_AEX_{jt}$  نیز شاخص تخصص مالی کمیته حسابرسی است و چنانچه  $I_4$  معنادار و مثبت باشد، نشانگر وجود رابطه بین این متغیر و محافظه‌کاری است. بدیهی است برای سنجش سایر ویژگی‌های کمیته حسابرسی نیز از مدل مشابه فوق استفاده می‌شود، به این مفهوم که با ثابت ماندن سایر متغیرها، ویژگی‌های کمیته حسابرسی (استقلال، تجربه و اندازه) جایگزین تخصص مالی اعضا در مدل بالا می‌شود که از تکرار آن خودداری شد.

$$X_{jt} = \beta_0 + \beta_1 * DR_{jt} + \beta_2 * RRA_{jt} + \beta_3 * DR_{jt} * RRA_{jt} + \lambda_1 * AC\_AEX_{jt} + \lambda_2 * DR_{jt} * AC\_AEX_{jt} + \lambda_3 * RRA_{jt} * AC\_AEX_{jt} + \lambda_4 * DR_{jt} * RRA_{jt} * AC\_AEX_{jt} + [control\ variables] + \varepsilon_{jt}$$

در این مدل، عدم تقارن زمانی در شناسایی اخبار بد نسبت به اخبار خوب، با استفاده از ضریب مثبت و معنادار  $\beta_3$  سنجیده می‌شود و چنانچه این ضریب مثبت و معنادار باشد، معرف وجود محافظه‌کاری است. برای بررسی رابطه تخصص مالی و محافظه‌کاری، چنانچه  $I_4$  معنادار و مثبت باشد، وجود رابطه بین این متغیر و محافظه‌کاری تأیید می‌گردد. برای سنجش سایر ویژگی‌های کمیته حسابرسی نیز از مدل مشابه فوق استفاده می‌شود که به جای متغیر تخصص سایر ویژگی‌ها قرار می‌گیرد که از تکرار آن خودداری شد.

## ۶- یافته‌های پژوهش

### ۶-۱- آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

جدول ۱، آمار توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهش را ارائه می‌کند. در متغیرهای کمی، عدم تفاوت معنادار بین میانگین و میانه حاکی از نرمال بودن توزیع داده‌ها است. میانگین درصد اعضای دارای تخصص مالی در کمیته حسابرسی برابر با ۰/۱۸۶۷ می‌باشد و نشان می‌دهد دانش مالی اعضای کمیته حسابداری در سطح مناسبی است و از تخصص مالی نسبی برخوردارند. همچنین، متغیر استقلال اعضا با میانگین ۰/۷۱۲ حاکی از استقلال اکثریت اعضا است. تجربه اعضای کمیته حسابرسی نیز با فراوانی ۱۸۳ نیز حاکی از کم‌تجربه‌بون کمیته حسابرسی و نوظهور بودن آن است. میانگین اندازه کمیته حسابرسی با رقم ۳/۱۸۶ نفر نشان می‌دهد که اکثر شرکت‌ها دارای کمیته‌های ۳ نفری می‌باشند. تعداد جریان‌ات نقدی منفی و تعداد بازده‌های سهام منفی در بخش متغیرهای کیفی نمونه نیز به ترتیب دارای فراوانی ۴۰ و ۹۰ است.

جدول ۱: آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

نوع متغیر	نام متغیر	میانگین	میانه	انحراف معیار	حداقل	حداکثر
متغیر کمی	ACCjt	۰/۰۱۷	۰/۰۰۰	۰/۲۷۸	-۲/۷۴۵	۱/۷۲۶
	CFOjt	۰/۶۳۳	۰/۱۲۸	۲/۹۵۰	-۰/۷۱۰	۵/۳۷۱
	Xjt	۱۸۱/۵۷۰	۱۷۰/۳۸۴	۶۶۷/۲۳۲	-۴۰۵/۵۹۶	۶۰۵/۷۱۱
	RRAjt	۸۵/۴۳۷	۴۷/۱۰۵	۱۲۴/۸۲۰	-۶۰/۴۲۹	۶۸۹/۹۵۰
	AC_AEXjt	۰/۸۶۷	۱	۰/۱۶۹	۰	۱
	AC_INDjt	۰/۷۱۲	۰/۶۷۱	۰/۱۴۶	۰	۱
	AC_SIZEjt	۳/۱۸۶	۳	۰/۶۲۱	۳	۵
	B_Indjt	۰/۶۶۱	۰/۶۰۰	۰/۱۵۴	۰/۲۵۰	۱
	MTBjt	۰/۴۲۴	۰/۴۰۲	۰/۶۱۸	-۰/۱۴۳	۲/۳۸۱
	LEVjt	۴/۱۳۱	۴/۰۷۵	۳/۶۴۱	۰/۰۱۵	۵/۸۴۸
SIZEjt	۱۴/۲۱۱	۱۳/۰۹۹	۱/۴۳۸	۱۰/۶۷۰	۱۸/۵۳۰	
متغیر کیفی	نام متغیر	فراوانی				
	DCFO	۴۰				
	DR	۹۰				
	AC_EXPERjt	۱۸۳				
	DUALITYjt	۸۲				

منبع: یافته‌های پژوهشگر

### ۶-۲- نتایج آزمون فرضیه‌ها

آزمون فرضیه اول: بین تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی و محافظه‌کاری شرطی (بال و شیواکومار- باسو) ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد. نتایج در جدول ۲ ارائه شده است. نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد که مدل آماره فیشر مدل بال و شیواکومار در سطح خطای کم‌تر از ۵ درصد معنی‌دار است و برازش رگرسیونی به گونه‌ای مناسب صورت گرفته است. همچنین، آماره دوربین واتسون با قرار گرفتن در بازه ۱/۵ الی ۲/۵، حاکی از عدم وجود خودهمبستگی میان متغیرهای آزمون است. معناداری اثر متقابل  $CFO \times DCFO$  با مقدار احتمال ۰/۰۲۵ در سطح خطای ۵ درصد و همچنین مثبت بودن ضریب  $b_3$  با مقدار ۲/۸۴۸ نشان از تأیید وجود محافظه‌کاری می‌باشد. پس از بررسی این پیش شرط، مبنی بر وجود محافظه‌کاری، با توجه به معناداری ضریب  $I_4$  با مقدار احتمال ۰/۰۱۷ مشاهده می‌شود که میان تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی و محافظه‌کاری ارتباط معناداری وجود دارد اما با توجه به ضریب  $I_4$  که ۴/۵۲۷- می‌باشد، ارتباط میان تخصص مالی کمیته حسابرسی و محافظه‌کاری منفی و معکوس است و نتیجه بدست آمده با یافته‌های سایر پژوهش‌ها و فلسفه وجودی کمیته حسابرسی

مغایرت دارد. بر اساس جدول ۲ و آماره فیشر مدل باسو نیز معنی‌دار بوده و خودهمبستگی میان متغیرها وجود ندارد. مقدار احتمال ضریب  $b_3$  برای اثر تعاملی  $DR * RRA$  برابر با  $0.076$  می‌باشد که از  $5$  درصد بیش‌تر بوده و نشانگر عدم وجود محافظه کاری است. اما ضریب آن با مقدار  $13/516$  - منفی می‌باشد و وجود محافظه کاری تأیید نمی‌گردد. از این رو بررسی  $I_4$  منتفی است. بنابراین، فرضیه اول در هر دو مدل محافظه کاری تأیید نمی‌گردد. زیرا در مدل بال و شیواکومار علی‌رغم وجود رابطه معنادار جهت آن معکوس است و در مدل باسو نیز وجود محافظه کاری تأیید نشد.

جدول ۲: تأثیر تخصص مالی کمیته حسابرسی بر محافظه کاری شرطی

مدل باسو (۱۹۶۷)				مدل بال و شیواکومار (۲۰۰۵)			
مقدار احتمال	آماره تی	ضریب	متغیر	مقدار احتمال	آماره تی	ضریب	متغیر
۰/۸۷۶	-۰/۱۵۵	-۳۳/۳۵۴	C	*۰/۰۵۷	-۱/۹۰۶	-۰/۳۳۳	C
*۰/۰۵۸	-۱/۹۰۲	-۴۶/۴۳۹	DR	*۰/۰۹۸	۱/۶۵۹	۰/۲۷۵	DCFO
*۰/۰۸۹	-۱/۷۰۲	-۰/۵۵۱	RRA	۰/۹۹۱	-۰/۰۱۱	-۰/۰۰۰۱	CFO
*۰/۰۷۶	-۱/۷۷۵	-۱۳/۵۱۶	DR * RRA	**۰/۰۲۵	۲/۲۴۷	۲/۸۴۸	DCFO * CFO
۰/۳۷۲	-۰/۸۹۲	-۱۶/۹۷۱	AC_AEX	۰/۶۷۲	-۰/۴۲۲	-۰/۰۲۹	AC_AEX
*۰/۰۸۱	۱/۷۴۵	۳۷/۱۹۷	DR * AC_AEX	۰/۴۸۸	-۰/۶۹۳	-۰/۱۵۳	DCFO * AC_AEX
۰/۲۹۲	۱/۰۵۲	۰/۸۲۹	RRA * AC_AEX	۰/۶۴۴	-۰/۴۶۱	-۰/۰۰۸	CFO * AC_AEX
۰/۱۷۹	۱/۳۴۵	۱۱/۰۳۳	DR * RRA * AC_AEX	**۰/۰۱۷	-۲/۳۹۶	-۴/۵۲۷	DCFO * CFO * AC_AEX
۰/۵۸۸	۰/۵۴۱	۱۶/۳۲۰	B_IND	۰/۲۳۴	۱/۱۹۱	۰/۱۲۴	B_IND
**۰/۰۲۸	۲/۱۹۵	۱۷/۹۸۱	MTB	۰/۴۰۱	۰/۸۳۹	۰/۰۲۱	MTB
۰/۴۸۳	-۰/۷۰۲	-۰/۰۰۸	LEV	۰/۷۶۷	-۰/۲۹۵	-۱/۴۸۱	LEV
۰/۶۰۹	۰/۵۱۰	۲۰/۷۰۰	SIZE	*۰/۰۶۵	۱/۸۴۷	۰/۰۴۲	SIZE
۰/۹۶۲	۰/۰۶۳	۱۲/۹۹۷	DUALITY	۰/۹۶۲	۰/۰۴۷	۰/۰۰۱	DUALITY
YES			Industry $\Sigma$	YES			Industry $\Sigma$
YES			Year $\Sigma$	YES			Year $\Sigma$
۲/۰۰۸			آماره F	۲/۶۴۶			آماره F
۰/۰۲۳			سطح معناداری آماره F	۰/۰۰۱			سطح معناداری آماره F
۰/۰۳۷			ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۰۶۰			ضریب تعیین تعدیل شده
۱/۸۵۱			آماره دوربین واتسون	۲/۳۴۹			آماره دوربین واتسون

\*معناداری در سطح ۱۰٪ \*\*معناداری در سطح خطای ۵٪ \*\*\*معناداری در سطح خطای ۱٪

منبع: یافته‌های پژوهشگر

آزمون فرضیه دوم: بین استقلال اعضای کمیته حسابرسی و محافظه‌کاری شرطی بال و شیواکومار (باسو) ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد. نتایج در جدول ۳ ارائه گردیده است.

با توجه به نتایج ارائه‌شده در جدول ۳، آماره فیشر مدل بال و شیواکومار کم‌تر از ۵ درصد است و موید مناسب بودن مدل می‌باشد و آماره دوربین واتسون نیز با قرار گرفتن در بازه ۱/۵ الی ۲/۵ حاکی از عدم وجود خودهمبستگی میان متغیرهای آزمون است. معناداری اثر متقابلی  $DCFO * CFO$  با مقدار احتمال ۰/۰۰۰ و همچنین مثبت بودن ضریب  $b_3$  با مقدار ۴/۹۰۱ نشان از تأیید وجود محافظه‌کاری می‌باشد. پس از بررسی این پیش‌شرط، مبنی بر وجود محافظه‌کاری، با توجه به معناداری ضریب  $I_4$  با مقدار احتمال ۰/۰۰۰، مشاهده می‌شود که بین استقلال اعضای کمیته حسابرسی و محافظه‌کاری ارتباط معناداری وجود دارد ولی با توجه به ضریب  $I_4$  که  $-۷/۴۷۰$  می‌باشد، این رابطه از نوع منفی است. به عبارتی بر خلاف مبانی نظری و فلسفه وجودی کمیته حسابرسی، رابطه منفی و معنادار حاصل شده است. بر اساس نتایج، طبق آماره فیشر مدل محافظه‌کاری باسو نیز معنادار است و خودهمبستگی میان متغیرها وجود ندارد اما مقدار احتمال برای اثر تعاملی  $DR * RRA$  برابر با ۰/۰۰۶ می‌باشد و ضریب  $b_3$  با مقدار  $-۳۱/۸۲۱$  منفی می‌باشد و وجود محافظه‌کاری تأیید نمی‌گردد و علی‌رغم معناداری ضریب  $I_4$  با مقدار احتمال ۰/۰۰۷ و مثبت بودن ضریب آن با مقدار  $۳۷/۰۷۶$ ، فرضیه دوم در این مدل نیز تأیید نمی‌گردد.

بنابراین، فرضیه دوم در هر دو مدل محافظه‌کاری تأیید نمی‌گردد. زیرا در مدل بال و شیواکومار علی‌رغم وجود رابطه معنادار جهت آن معکوس است و در مدل باسو نیز وجود محافظه‌کاری تأیید نشد.

جدول ۳: تأثیر استقلال کمیته حسابرسی بر محافظه‌کاری شرطی

مدل باسو (۱۹۶۷)				مدل بال و شیوار کومار (۲۰۰۵)			
مقدار احتمال	آماره تی	ضریب	متغیر	مقدار احتمال	آماره تی	ضریب	متغیر
۰/۶۵۶	-۰/۴۴۴	-۱۳/۹۰۳	C	**۰/۰۱۷	-۲/۳۹۶	-۰/۴۲۸	C
۰/۸۰۰	-۰/۲۵۲	-۶۰/۵۷۱	DR	**۰/۰۸۵	۱/۷۲۳	۰/۵۴۹	DCFO
۰/۸۵۰	۰/۱۸۸	۰/۱۳۳	RRA	۰/۴۹۵	۰/۶۸۲	۰/۰۶۹	CFO
**۰/۰۰۶	-۲/۷۴۵	-۳۱/۸۲۱	DR*RRA	**۰/۰۰۰	۳/۸۱۵	۴/۹۰۱	DCFO*CFO
۰/۴۹۲	-۰/۶۸۶	-۲۵/۹۲۱	AC_IND	۰/۱۷۳	۱/۳۶۴	۰/۱۶۲	AC_IND
۰/۵۴۷	۰/۶۰۲	۱۶/۵۸۵	DR* AC_IND	۰/۱۵۷	-۱/۴۱۸	-۰/۶۳۵	DCFO* AC_IND
۰/۸۱۳	-۰/۲۳۵	-۰/۱۴۳	RRA* AC_IND	۰/۴۶۵	-۰/۷۳۱	-۰/۱۱۱	CFO* AC_IND
**۰/۰۰۷	۲/۷۰۲	۳۷/۰۷۶	DR*RRA* AC_IND	**۰/۰۰۰	-۳/۹۵۶	-۷/۴۷۰	DCFO*CFO* AC_IND
۰/۵۱۷	۰/۶۴۸	۲۴/۴۰۶	B_IND	۰/۳۰۸	۱/۰۲۱	۰/۱۰۳	B_IND
**۰/۰۰۲	۳/۰۶۵	۱۳/۳۸۸	MTB	۰/۲۹۲	۱/۰۵۴	۰/۰۲۶	MTB
۰/۵۲۵	-۰/۶۳۶	-۰/۰۰۸	LEV	۰/۷۸۲	-۰/۲۷۶	-۱/۳۵۱	LEV
۰/۶۳۰	۰/۴۸۱	۲۰/۶۵۳	SIZE	**۰/۰۹۳	۱/۶۸۲	۰/۰۳۷	SIZE
**۰/۰۶۹	-۱/۸۱۹	-۱۷/۲۲۲	DUALITY	۰/۸۸۸	۰/۱۴۰	۰/۰۰۵	DUALITY
YES			Industry $\Sigma$	YES			Industry $\Sigma$
YES			Year $\Sigma$	YES			Year $\Sigma$
۲/۲۸۴			آماره F	۴/۰۲۸			آماره F
۰/۰۰۸			سطح معناداری آماره F	۰/۰۰۰			سطح معناداری آماره F
۰/۰۴۷			ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۱۰۳			ضریب تعیین تعدیل شده
۱/۸۹۳			آماره دوربین واتسون	۲/۴۳۵			آماره دوربین واتسون

\*معناداری در سطح ۱۰٪ \*\*معناداری در سطح خطای ۵٪ \*\*\*معناداری در سطح خطای ۱٪

منبع: یافته‌های پژوهشگر

آزمون فرضیه سوم: بین تجربه اعضای کمیته حسابرسی و محافظه‌کاری شرطی بال و شیواکومار (باسو) ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد. نتایج در جدول ۴ ارائه شده است. با توجه به یافته‌های ارائه‌شده در جدول ۴ مشاهده می‌شود که معناداری آماره فیشر در مدل بال و شیواکومار در سطح خطای ۵ درصد تأیید شده است و قرار گرفتن آماره دوربین واتسون در بازه ۱/۵ الی ۲/۵ حاکی از عدم وجود خودهمبستگی میان متغیرهای آزمون است. معناداری اثر متقابل

از تأیید وجود محافظه‌کاری می‌باشد. معناداری ضریب  $I_4$  با مقدار احتمال  $0/000$ ، نیز نشان می‌دهد میان تجربه اعضای کمیته حسابرسی و محافظه‌کاری ارتباط معناداری وجود دارد اما این ارتباط بر اساس ضریب  $2/254-$  بر خلاف مبانی نظری پژوهش، از نوع منفی و معکوس است. همچنین، بر اساس آماره فیشر مدل باسو نیز معنی‌دار بوده و فاقد خودهمبستگی می‌باشد. به منظور بررسی فرضیه سوم، نخست باید از وجود محافظه‌کاری اطمینان یافت. مقدار احتمال برای اثر تعاملی  $DR * RRA$  برابر با  $0/644$  می‌باشد و وجود محافظه‌کاری تأیید نمی‌گردد. بنابراین، فرضیه سوم در هر دو مدل محافظه‌کاری تأیید نمی‌گردد. مدل بال و شیواکومار علی‌رغم وجود رابطه معنادار، جهت آن معکوس است و در مدل باسو نیز وجود محافظه‌کاری تأیید نشد.



جدول ۴: تأثیر تجربه کمیته حسابرسی بر محافظه‌کاری شرطی

مدل باسو (۱۹۶۷)				مدل بال و شیوار کومار (۲۰۰۵)			
مقدار احتمال	آماره تی	ضریب	متغیر	مقدار احتمال	آماره تی	ضریب	متغیر
۰/۵۷۹	-۰/۵۵۴	-۱۶/۷۴۳	C	۰/۱۰۲	-۱/۶۳۶	-۰/۲۵۲	C
۰/۵۰۱	۰/۶۷۳	۵۹/۵۴۴	DR	۰/۱۷۳	۱/۳۶۳	۰/۰۸۵	DCFO
۰/۸۷۶	۰/۱۵۵	۰/۰۷۲	RRA	***۰/۰۰۰	-۷/۴۰۰	-۰/۳۶۳	CFO
۰/۶۴۴	-۰/۴۶۱	-۰/۸۶۰	DR*RRA	**۰/۰۱۹	۲/۳۵۰	۰/۲۵۲	DCFO*CFO
۰/۷۲۴	۰/۳۵۲	۱۱/۳۹۵	AC_EXPER	**۰/۰۲۴	-۲/۲۶۹	-۰/۰۷۹	AC_EXPER
۰/۹۸۱	-۰/۰۲۲	-۲/۰۵۴	DR*AC_EXPER	۰/۲۷۰	-۱/۱۰۴	۰/۱۱۰	DCFO*AC_EXPER
۰/۹۸۳	-۰/۰۲۱	-۰/۰۰۵	RRA*AC_EXPER	***۰/۰۰۰	۷/۳۱۱	۰/۳۶۰	CFO*AC_EXPER
۰/۲۰۶	-۱/۲۶۶	-۵/۳۴۳	DR*RRA*AC_EXPER	***۰/۰۰۰	-۴/۴۰۷	-۲/۲۵۴	DCFO*CFO*AC_EXPER
۰/۵۵۹	۰/۵۸۴	۱۵/۳۵۱	B_IND	۰/۱۴۷	۱/۴۵۰	۰/۱۳۶	B_IND
**۰/۰۲۰	۲/۳۳۱	۱۶/۲۵۹	MTB	۰/۶۳۶	۰/۴۷۳	۰/۰۱۰	MTB
۰/۴۵۶	-۰/۷۴۶	-۰/۰۱۰	LEV	۰/۷۹۲	-۰/۲۶۳	-۱/۲۱۰	LEV
۰/۷۶۹	۰/۲۹۳	۱۱/۸۸۴	SIZE	**۰/۰۴۸	۱/۹۸۴	۰/۰۴۱	SIZE
**۰/۰۲۶	-۲/۲۳۶	-۱۲/۱۹۶	DUALITY	۰/۴۷۴	-۰/۷۱۵	-۰/۰۲۳	DUALITY
YES			∑ Industry	YES			∑ Industry
YES			∑ Year	YES			∑ Year
۱/۸۴۱			آماره F	۸/۲۳۷			آماره F
۰/۰۴۱			سطح معناداری آماره F	۰/۰۰۰			سطح معناداری آماره F
۰/۰۳۱			ضریب تعیین تعدیل‌شده	۰/۲۱۷			ضریب تعیین تعدیل‌شده
۱/۸۴۲			آماره دوربین‌واتسون	۲/۳۱۸			آماره دوربین‌واتسون

\*معناداری در سطح ۱۰٪ \*\*معناداری در سطح خطای ۵٪ \*\*\*معناداری در سطح خطای ۱٪

منبع: یافته‌های پژوهشگر

آزمون فرضیه چهارم: بین اندازه کمیته حسابرسی و محافظه‌کاری شرطی بال و شیواکومار (باسو) ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد. نتایج حاصل از برازش مدل رگرسیونی در جدول ۵ نشان می‌دهد که معناداری آماره فیشر مدل بال و شیواکومار در سطح خطای ۵ درصد تأیید شده است. از سوی آماره‌های دوربین‌واتسون نیز

عدم وجود خودهمبستگی در مدل را نشان می‌دهد. معناداری اثر متقابل  $DCFO * CFO$  با مقدار احتمال ۰/۰۰۰ و همچنین مثبت بودن ضریب  $b_3$  با مقدار ۵/۹۴۱ نشان از تأیید وجود محافظه‌کاری می‌باشد. پس از بررسی این پیش‌شرط، مبنی بر وجود محافظه‌کاری، با توجه به معناداری ضریب  $I_4$  با مقدار احتمال ۰/۰۰۰ مشاهده می‌شود که میان اندازه کمیته حسابرسی و محافظه‌کاری ارتباط معناداری وجود دارد اما این ارتباط بر اساس ضریب  $2/0.23$  - از نوع منفی و معکوس است. همچنین، در مدل با سو آماره فیشر معنادار بوده و خودهمبستگی وجود ندارد. مقدار احتمال برای اثر متقابل  $DR * RRA$  برابر با ۰/۰۰۴ می‌باشد و ضریب  $b_3$  با مقدار ۳۲/۰۵۳ تأییدکننده وجود محافظه‌کاری می‌باشد. ضریب  $I_4$  با مقدار احتمال ۰/۰۰۳ معنادار است و وجود ارتباط معنادار بین اندازه کمیته حسابرسی و محافظه‌کاری تأیید می‌شود اما این ارتباط بر اساس ضریب  $11/237$  - از نوع معکوس است. بنابراین، فرضیه چهارم در هر دو مدل محافظه‌کاری تأیید نمی‌گردد. مدل بال و شیواکومار و مدل باسو علی‌رغم وجود رابطه معنادار و تأیید محافظه‌کاری، جهت ارتباط معکوس است.

جدول ۵: تأثیر اندازه کمیته حسابرسی بر محافظه‌کاری شرطی

مدل پاسو (۱۹۶۷)				مدل بال و شیوار کومار (۲۰۰۵)			
مقدار احتمال	آماره تی	ضریب	متغیر	مقدار احتمال	آماره تی	ضریب	متغیر
**/۰.۳۹	-۲/۰۶۵	-۳۲/۵۷۵	C	۰/۱۵۰	-۱/۴۳۹	-۰/۲۵۳	C
***./۰.۰۰	۵/۲۲۶	۲۵/۴۷۶	DR	۰/۴۸۵	۰/۶۹۹	۰/۱۷۱	DCFO
۰/۱۷۴	۱/۳۶۰	۳/۳۳۲	RRA	۰/۸۱۳	-۰/۲۳۶	-۰/۰۰۵	CFO
***./۰.۰۰۴	۲/۸۷۵	۳۲/۰۵۳	DR*RRA	***./۰.۰۰	۴/۷۶۴	۵/۹۴۱	DCFO*CFO
۰/۱۳۰	۱/۵۱۸	۸۷/۴۸۴	AC_SIZE	۰/۷۹۲	-۰/۲۶۳	-۰/۰۰۷	AC_SIZE
***./۰.۰۰	-۵/۲۹۷	-۳۴/۱۳۲	DR*AC_SIZE	۰/۸۴۹	-۰/۱۹۰	-۰/۰۱۵	DCFO*AC_SIZE
۰/۲۱۹	-۱/۲۲۹	-۱/۰۷۷	RRA*AC_SIZE	۰/۹۷۹	۰/۰۲۵	۰/۰۰۱	CFO*AC_SIZE
***./۰.۰۰۳	-۲/۹۱۷	-۱۱/۲۳۷	DR*RRA*AC_SIZE	***./۰.۰۰	-۴/۴۰۹	-۲/۰۲۳	DCFO*CFO*AC_SIZE
۰/۵۶۶	۰/۵۷۳	۴۴/۳۰۸	B_IND	۰/۲۷۰	۱/۱۰۴	۰/۱۰۹	B_IND
***./۰.۰۰	۳/۷۹۰	۴۴/۴۴۹	MTB	۰/۸۰۸	۰/۲۴۲	۰/۰۰۵	MTB
۰/۵۴۹	-۰/۵۹۸	-۰/۰۰۸	LEV	۰/۷۷۴	-۰/۲۸۶	-۱/۳۸۱	LEV
۰/۹۱۰	۰/۱۱۲	۴/۱۲۶	SIZE	۰/۱۴۶	۱/۴۵۶	۰/۰۳۲	SIZE
***./۰.۴۸	-۱/۹۷۹	-۱۶/۷۷۳	DUALITY	۰/۹۵۳	-۰/۰۵۸	-۰/۰۰۲	DUALITY
YES			∑ Industry	YES			∑ Industry
YES			∑ Year	YES			∑ Year
۲/۷۶۰			آماره F	۴/۹۲۰			آماره F
۰/۰۰۱			سطح معناداری آماره F	۰/۰۰۰			سطح معناداری آماره F
۰/۰۶۳			ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۱۳۰			ضریب تعیین تعدیل شده
۱/۹۲۲			آماره دوربین واتسون	۲/۲۶۱			آماره دوربین واتسون

\*معناداری در سطح ۱۰٪ \*\*معناداری در سطح خطای ۵٪ \*\*\*معناداری در سطح خطای ۱٪

منبع: یافته‌های پژوهشگر

## ۷- بحث و نتیجه‌گیری

استقرار مناسب کمیته حسابرسی می‌تواند بر عملکرد واحد اقتصادی و در ادامه، گزارشگری آن تأثیر مثبت داشته باشد و به نوعی حافظ منافع استفاده‌کنندگان باشد. همچنین با توجه به وظیفه‌ای که هیئت‌مدیره در سرپرستی افشا و ارائه اطلاعات دارد، می‌تواند به استقرار سیستم‌های گزارشگری کارآمد به منظور ارائه اطلاعات شفاف و قابل اتکا کمک کند. در این پژوهش تأثیر ویژگی‌های کمیته

حسابرسی (تخصص مالی، استقلال، تجربه حضور در کمیته، اندازه) روی محافظه‌کاری شرطی (مدل بال و شیواکومار و مدل باسو) بررسی شد. یافته‌های پژوهش بر اساس مدل محافظه‌کاری بال و شیواکومار (۲۰۰۵) حاکی از تأیید وجود محافظه‌کاری است و بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی شامل تخصص مالی، استقلال، تجربه و اندازه با محافظه‌کاری رابطه معناداری وجود دارد اما نوع رابطه و تاثیرگذاری این ویژگی‌ها بر محافظه‌کاری در هر چهار فرضیه منفی بوده است.

در مدل محافظه‌کاری باسو (۱۹۹۷)، در فرضیه‌های اول، دوم و سوم وجود محافظه‌کاری تأیید نگردید اما در فرضیه چهارم، رابطه بین اندازه کمیته حسابرسی با محافظه‌کاری معنادار گردید ولی نوع رابطه و تاثیرگذاری بر محافظه‌کاری معکوس بود. بر اساس مبانی نظری و ادبیات پیشین، کمیته حسابرسی به عنوان عضوی نظارتی و یکی از اجزای تاثیرگذار کنترل داخلی تحت نظام راهبری شرکتی انتظار می‌رود تأثیر مثبتی بر ارقام تعهدی داشته باشد (دوالیوال و همکاران، ۲۰۱۰) و سبب افزایش محافظه‌کاری شود که در این پژوهش به تأیید نرسید. نکته‌ای که باید به آن توجه داشت و در قسمت‌های مختلف مقاله نیز به آن اشاره شد، این است که در تمامی فرضیه‌های تأیید شده در هر دو مدل محافظه‌کاری، ارتباط ویژگی‌های کمیته حسابرسی و محافظه‌کاری از نوع منفی است که با یافته‌های پژوهش‌هایی همچون سولتان (۲۰۱۵) و سولتان و ون‌درژان (۲۰۱۵) و با ادبیات پژوهش مغایرت دارد. نکات منبعث از این یافته‌ها را می‌توان اینگونه تفسیر نمود که کمیته حسابرسی از سازوکارهای نوین حاکمیتی در شرکت و بخصوص در کشور ایران است و نتایج حاصل از آن در محیط‌های مختلف می‌تواند متفاوت باشد و از یکنواختی برخوردار نباشد. به نوعی، به دلیل نوظهور بودن کمیته حسابرسی و اینکه کمیته حسابرسی هنوز در جایگاه واقعی خود قرار نگرفته و نقش خود را به خوبی ایفا نکرده است، یافته‌ها مطابق با مبانی نظری و ادبیات مذکور در بخش‌های پیشین نمی‌باشد.

#### ۷-۱- پیشنهادهای کاربردی

با توجه به نتایج حاصل از پژوهش پیشنهاد می‌شود به منظور ارتقای عملکرد کمیته حسابرسی، اصول حاکمیت شرکتی مربوط به آن مستحکم‌تر شود و با تأکید بیش‌تر و قوانین سخت‌گیرانه‌تر از جانب بورس اوراق بهادار تهران، شرکت‌ها به رعایت منشور کمیته حسابرسی ترغیب شوند و بر فعالیت‌های اعضای کمیته حسابرسی نظارت بیشتری اعمال شود، تا این کمیته کار خود را به طور دقیق و مناسب انجام دهد.

#### ۷-۲- پیشنهاد برای پژوهش‌های آتی

با توجه به نوظهور بودن کمیته حسابرسی در ایران، پژوهش‌های اندکی در این زمینه انجام شده است، بنابراین پیشنهاد می‌شود تا در پژوهش‌های آتی تأثیر ویژگی‌های کمیته حسابرسی بر موضوعات دیگر از قبیل؛ محافظه‌کاری غیرشرطی، کیفیت گزارشگری مالی، کیفیت حسابرسی و کنترل‌های داخلی مورد بررسی قرار گیرد. همچنین پیشنهاد می‌گردد در سال‌های آتی و با افزایش تعداد سال‌های حضور کمیته حسابرسی در شرکت‌های ایرانی، رابطه بین کمیته حسابرسی و محافظه‌کاری شرطی با مشاهدات بیشتر مورد بررسی قرار گیرد.

### ۷-۳- محدودیت‌های پژوهش

محدودیت‌های این پژوهش را نیز می‌توان عدم دسترسی مناسب به پایگاه اطلاعاتی مربوط به کمیته حسابرسی و افشای سایر ویژگی‌های آن از جمله تعداد جلسات آن اشاره نمود. همچنین، نوظهور بودن کمیته حسابرسی نیز محدودیت ذاتی پژوهش به شمار می‌آید و به خودی خود سبب کم‌تر شدن حجم نمونه موردبررسی شده است.

### □ منابع و مآخذ

- ۱- باباجانی، جعفر و خنکا، عبدالخالق، (۱۳۹۱). «ضرورت تشکیل کمیته حسابرسی و استقرار واحد حسابرسی داخلی در شهرداری‌های کلان شهرها برای ارتقاء سطح مسئولیت پاسخگویی». فصلنامه مطالعات تجربی حسابداری مالی، سال دهم، شماره ۳۳، ۱۳۹۱.
- ۲- جامعی، رضا؛ رستمیان، آزاده. (۱۳۹۴). «تأثیر تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی بر ویژگی‌های سود پیش بینی شده». فصلنامه پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی سال ۸ / شماره ۲۹ / بهار ۱۳۹۵ صفحه ۱ تا ۱۷.
- ۳- رؤیایی، رمضانعلی؛ ابراهیمی، محمد. (۱۳۹۴). «بررسی تأثیر ویژگی‌های کمیته حسابرسی بر سطح افشای داوطلبانه اخلاق». فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مالی مبارکه، سال هفتم، شماره ۲۵، ۷۱-۸۸.
- ۴- مهدوی، غلامحسین، مجتبی حسینی، و زهره رئیسی، (۱۳۹۲)، «تأثیر ویژگی‌های حاکمیت شرکتی بر کیفیت سود پیش بینی شده به وسیله مدیریت شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران»، فصلنامه حسابداری مدیریت، شماره ۱۶، صص. ۴۳-۶۰.

1. Abbott, L. J. & Parker, S. (2000), 'Audit committee characteristics and auditor selection', Auditing: A Journal of Practice & Theory, Vol. 19, No. 2, pp. 47-66.
2. Abbott, L. J., Parker, S. & Peters, G. (2004), 'Audit committee characteristics and restatements', Auditing: A Journal of Practice & Theory, Vol. 23, No. 1, pp. 69-88.
3. Ahmed, A. S. & Duellman, S. (2007), 'Accounting conservatism and board of director characteristics: An empirical analysis', Journal of Accounting and Economics, Vol. 43, No. 2-3, pp. 411-37.
4. Ball, R. & Shivakumar, L. (2005), 'Earnings quality in UK private firms: Comparative loss recognition timeliness', Journal of Accounting and Economics, Vol. 39, No. 1, pp. 83-128.
5. Basu, S. (1997), 'The conservatism principle and the asymmetric timeliness of earnings', Journal of Accounting and Economics, Vol. 24, No. 1, pp. 3-37.
6. Beekes, W., Pope, P. & Young, S. (2004), 'The link between earnings timeliness, earnings conservatism and board composition: Evidence from the UK', Corporate

- Governance: An International Review, Vol. 12, No. 1, pp. 47–59.
7. Bull, I. & Sharp, F. (1989), 'Advising clients on Treadway audit committee recommendations', *Journal of Accountancy*, Vol. 167, No. 2, pp. 46–52.
  8. Chan, A. M. Y., Liu, G. & Sun, J. (2013), 'Independent audit committee members' board tenure and audit fees', *Accounting & Finance*, Vol. 53, No. 4, pp. 1129–47.
  9. Dalton, D.R., Daily, C.M., Johnson, J.L. and Ellstrand, A.E. (1999). Number of directors and financial performance: A meta-analysis. *Academy of Management Journal*, 42, 67486-.
  10. Dechow, P. M., S. P. Kothari, R. L. Watts, (1998), "The relation between earnings and cash flows", *Journal of Accounting and Economics*, Vol. 25, PP. 133168-.
  11. DeZoort, F. T. (1998), 'An analysis of experience effects on audit committee members' oversight judgments', *Accounting, Organizations and Society*, Vol. 23, No. 1, pp. 1–21.
  12. Dhaliwal, D., Naiker, V. & Navissi, F. (2010), 'The association between accruals quality and the characteristics of accounting experts and mix of expertise on audit committees', *Contemporary Accounting Research*, Vol. 27, No. 3, pp. 787–827.
  13. Fama, E. F. (1980), 'Agency problem and the theory of the firm', *Journal of Political Economy*, Vol. 88, No. 2, pp. 288–307.
  14. Financial Accounting Standards Board (FASB), 1980. Statement of Financial Accounting Concepts no. 2, Qualitative Characteristics of Accounting Information. FASB, Norwalk, CT.
  15. Francis, J. R., LaFond, R., Olsson, P. & Schipper, K. (2005), 'The market pricing of accruals quality', *Journal of Accounting and Economics*, Vol. 39, No. 2, pp. 295–327.
  16. Goh, B. W. & Li, D. (2011), 'Internal controls and conditional conservatism', *The Accounting Review*, Vol. 86, No. 3, pp. 975–1005.
  17. Klein, A. (2002a), 'Audit committee, board of director characteristics, and earnings management', *Journal of Accounting and Economics*, Vol. 33, No. 3, pp. 375–400.
  18. Klein, A. (2002b), 'Economic determinants of audit committee independence', *The Accounting Review*, Vol. 77, No. 2, pp. 435–52.
  19. Krishnan, G. V. & Visvanathan, G. (2008), 'Does the SOX definition of an accounting expert matter? The association between audit committee directors' accounting expertise and accounting conservatism', *Contemporary Accounting Research*, Vol. 25, No. 3, pp. 827–58.
  20. Laffond, R. and R. L. Watts. 2006. The Information Role of Conservative Financial Statements. [www.SSRN.Com](http://www.SSRN.Com).
  21. Lara, J. M. G., Osma, B. G. & Penalva, F. (2009a), 'Accounting conservatism and corporate governance', *Review of Accounting Studies*, Vol. 14, No. 1, pp. 161–201.

22. Lara, J. M. G., Osma, B. G. & Penalva, F. (2009b), 'The economic determinants of conditional conservatism', *Journal of Business Finance & Accounting*, Vol. 36, No. 3-4, pp. 336-72.
23. McMullen, D. A. & Raghunandan, K. (1996), 'Enhancing audit committee effectiveness', *Journal of Accountancy*, Vol. 182, No. 2, pp. 79-81.
24. O'Malley, S. F. (1994), 'Improving audit committee performance', *Corporate Board*, Vol. 15, No. 86, pp. 101-40.
25. Piot, Ch. (2004), 'The existence and independence of audit committees in France', *Accounting and Business Research*, Vol. 34, No. 3, pp. 223-46.
26. Rose, A. M. & Rose, J. M. (2008), 'Management attempts to avoid accounting disclosure oversight: The effects of trust and knowledge on corporate directors' governance ability', *Journal of Business Ethics*, Vol. 83, No. 2, pp. 193-205.
27. Scarbrough, D. P., Rama, D. V. & Raghunandan, K. (1998), 'Audit committee composition and interaction with internal auditing: Canadian evidence', *Accounting Horizons*, Vol. 12, No. 1, pp. 51-62.
28. Sharma, V. D. & Iselin, E. R. (2012), 'The association between audit committee multiple-directorships, tenure, and financial misstatements', *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, Vol. 31, No. 3, pp. 149-75.
29. Srinivasan, S. (2005), 'Consequences of financial reporting failure for outside directors: Evidence from accounting restatements and audit committee members', *Journal of Accounting Research*, Vol. 43, No. 2, pp. 291-334.
30. Sultana, N. (2015), "Audit Committee Characteristics and Accounting Conservatism", *International Journal of Auditing*, Volume 19, Issue 2, pp. 88102-.
31. Sultana, N & Van der Zahn, M. (2015), "Earnings conservatism and audit committee financial expertise", *Accounting and Finance* 55 (2015) 279-310.
32. Treadway Commission (1987), *Report of the National Commission on Fraudulent Financial Reporting*, New York.
33. Vafeas, N. (2005), 'Audit committees, boards and the quality of reported earnings', *Contemporary Accounting Research*, Vol. 22, No. 4, pp. 1093-122.
34. Verschoor, C. C. (1993), 'Benchmarking the audit committee', *Journal of Accountancy*, Vol. 176, No. 3, pp. 59-64.
35. Watts, R. (2003), 'Conservatism in accounting - Part I: Explanations and implications', *Accounting Horizons*, Vol. 17, No. 3, pp. 207-21.
36. Yang, J. S., & Krishnan, J. (2005). Audit committees and quarterly earnings management. *International Journal of Auditing*, 9, 201-219.
- 37.